

مروری بر توانمندسازی فرهنگی مددجویان کمیته امداد امام(ره) - استان کهگیلویه و بویراحمد

وهاب دانشی^۱، عبدالرضا سبحانی^۲

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب. (کارشناس برنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) استان کهگیلویه و بویراحمد)
^۲ عضو هیئت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

نام نویسنده مسئول:

وهاب دانشی

چکیده

توانمندسازی، یکی از مفاهیم اساسی توسعه اجتماعی محسوب می شود. ب کمیته امداد امام (ره)، با گستره مددجوپذیری بسیار وسیع، یکی از مهمترین نهادهای حمایتی در باب مبارزه با فقر و رسیدن به توانمندی افراد طبقات پایین و آسیب پذیر جامعه، می باشد. با وجود تلاشهای زیاد این نهاد، در بین مددجویان تحت حمایت، این تلاشها و فعالیتهای نتوانسته فقر در بین آنان را از بین ببرد. به طوریکه بعضی از خانوارهای مذکور پس از یک دوره فعالیت و درآمدزایی مجدداً به چرخه فقر برمی گردند. در این نوشتار، با تاکید بر توانمندسازی فرهنگی مددجویان تحت حمایت نهاد مذکور در استان کهگیلویه و بویراحمد و مؤلفه های موثر در آن، از جمله دانش بومی، آموزش، رسانه، مشارکت و ... پیشنهادهایی به منظور تحقق آن ارائه گردیده است.
واژگان کلیدی: توانمندسازی - فرهنگ - کمیته امداد امام خمینی (ره) - مددجو - کهگیلویه و بویراحمد.

مقدمه

با گسترش حرکت کشورها به سمت توسعه، استفاده بهینه از سرمایه های انسانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. توانمندسازی مفهومی است که امروزه در این راستا و با هدف توسعه هرچه بیشتر در کشورهای دنیا مورد بهره برداری قرار گرفته است. در کشور ما نیز، یکی از مهمترین وظایفی که به سازمانهای حمایتی واگذار شده است، موضوع توانمندسازی است که در اصول ۳ و ۴۳ قانون اساسی مستقیماً بدان اشاره شده است و همچنین، در اصل ۲۱ آن نیز به این موضوع پرداخته شده است. کمیته امداد امام خمینی (ره)، با گستره مددجویی بسیار وسیع، یکی از مهمترین نهادهای حمایتی در باب مبارزه با فقر و رسیدن به توانمندی افراد طبقات پایین و آسیب پذیر جامعه، می باشد. این نهاد، اهدافی چون برابری فرصتها و توانمندسازی محرومین در زمینه های خودکفایی، خودباوری، بهبود ارتباطات اجتماعی، رفع مشکلات فرهنگی و اقتصادی، دسترسی به امکانات و رفع نیازهای ضروری، تحقق امر مشارکت اجتماعی را دنبال می نماید (۱). در سالهای اخیر، گفتمان مسلط در این نهاد، گفتمان توانمندسازی مددجویان است. توانمندسازی خانواده های نیازمند، تنها به زمینه های اقتصادی منحصر نمی شود. افزایش و تقویت مبانی فکری و فرهنگی مددجویان مهم ترین پیش نیاز برای توانمندسازی و خودکفایی اقتصاد خانواده ها به شمار می رود. به همین منظور این نهاد، برنامه های تحولی گسترده ای را برای افزایش اعتماد به نفس و بهبود کیفیت زندگی و اعتدالی جایگاه افراد در جامعه در دستور کار خود قرار داده است. مهم ترین خدمات فرهنگی در این نهاد، فراهم کردن تسهیلات و امکانات لازم برای ادامه تحصیل دانش آموزان و دانشجویان و آموزش های لازم در زمینه های بهداشتی و روانی و ... است. برنامه های فرهنگی بر اساس آموزه های دینی، استفاده از نیروی مردمی، به کارگیری دانش روز، احساس مسئولیت اجتماعی و نقش آفرینی در چارچوب سیاست های فرهنگی کشور، رویکرد اساسی کمیته امداد امام (ره) در حوزه فرهنگ است که تمامی برنامه ها باید بر مبنای آن پایه ریزی شود. (۲)

بیش از ۳۴ هزار و ۵۹۴ خانوار، بالغ بر ۸۹ هزار و ۵۸۴ نفر تحت حمایت کمیته امداد کهگیلویه و بویراحمد هستند که این آمار ۱۳/۵ درصد از جمعیت استان را شامل می شود. شهرستان لنده با ۳۳ درصد رتبه اول و گچساران با چهار درصد کمترین آمار مددجویان تحت پوشش کمیته امداد را دارند. تعداد ۱۵ هزار و ۲۳۶ از این تعداد، خانوار سالمند تحت حمایت هستند که هم سالمندان شهری و هم روستایی را شامل می شوند. ۴۵ درصد افراد تحت حمایت را زنان سرپرست خانوار تشکیل می دهند و ۳۸ درصد افراد سرپرست خانوار استان از کار افتاده دائم هستند. در این نوشتار، توانمندسازی فرهنگی مددجویان تحت حمایت نهاد مذکور در استان کهگیلویه و بویراحمد و مؤلفه های موثر در آن، از جمله دانش بومی، آموزش، رسانه، مشارکت و ... مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مساله و اهمیت موضوع مورد مطالعه

علی رغم این که توانمندسازی به عنوان هدف غایی برنامه های رفاه اجتماعی و به ویژه مددکاری اجتماعی است، با این وجود به صورت برنامه ای هدفمند و سازمان یافته در کشور وجود نداشته و تنها اخیراً مورد توجه جدی قرار گرفته است (۳). با وجود تلاشهای زیاد کمیته امداد امام خمینی (ره)، در بین مددجویان تحت حمایت، این تلاشها و فعالیتها نتوانسته فقر در بین آنان را از بین ببرد (۴). به طوریکه بعضی از خانوارهای مذکور پس از یک دوره فعالیت و درآمدزایی مجدداً به چرخه فقر برمی گردند تا جایی که کماکان توسط خود دستگاه های حمایتی نیازمند تشخیص داده می شوند. کمیته امداد به عنوان بزرگترین نهاد حمایتی برای مبارزه با فقر و رسیدن به جمعیتی قدرتمند، باید توانمندسازی فرهنگی مددجویان خود را مد نظر قرار دهد. زیرا زیربنای پیشرفتهای اقتصادی و سیاسی، پیشرفت در زمینه علم و فناوری و فرهنگ است. حوزه فرهنگ می تواند زمینه ساز مسئولیت پذیری، تقویت عزم و اراده ملی و گسترش قانون گرایی و انضباط اجتماعی شود که این امور به پیشرفت در حوزه های اقتصادی، سیاسی و تولید علم و فناوری کمک می کند (۵).

فقر و مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره)

فرهنگ: «داوود تایلور»^۱ مردم شناس انگلیسی، در کتاب کلاسیک خود با عنوان "فرهنگ ابتدایی"، فرهنگ را چنین تعریف کرده است: «مجموعه پیچیده ای شامل دانش ها، اعتقادات، هنر ها، اخلاقیات، قوانین، رسوم و هر گونه توانایی و عادات دیگری است که به وسیله انسان به عنوان عضو جامعه اکتساب می شود». به بیان ساده تر، فرهنگ هر چیزی است که بوسیله انسان به عنوان عضو جامعه آموخته می شود و در اعضای یک جامعه مشترک است. افراد فرهنگ را به عنوان جزئی از میراث اجتماعی خود دریافت می کنند و به نوبه خود، او ممکن است فرهنگ را مجدداً شکل دهد و تغییراتی را معرفی کند که سپس جزئی از میراث نسلهای آینده می شود (۶).

^۱ - ser Edward Tylor.

برخی دیگر از نویسندگان سه تعریف کلی از فرهنگ ارائه داده اند. نخست فرهنگ به عنوان فرایند عمومی تکامل و توسعه فکری، معنوی و زیبا شناختی؛ دوم فرهنگ به عنوان شیوه خاص زندگی مردمی خاص یا دورانی خاص؛ و سوم فرهنگ به عنوان فرآورده های فعالیت فکری و هنری، در ذیل تعریف اول کل فلسفه و اندیشه و هنر و خلاقیت فکری یک عصر یا کشور می گنجد؛ در ذیل مقوله دوم رسوم، آداب، مراسم و مناسک یک قوم یا دوران جای می گیرد و در ذیل تعریف سوم شعر و ادبیات و هنرهای مختلف مندرج است.

کمیتة امداد امام خمینی (ره) : نهادهای انقلابی و از نوع مؤسسات غیر انتفاعی و عام المنفعه و دارای شخصیت مستقل و استقلال مالی و استخدامی است که تحت نظارت مقام معظم رهبری (ولایت فقیه) قرار دارد و طبق اساسنامه مربوطه اداره می شود (۷).

مددجو: به فردی گفته می شود که دچار مشکلات جسمی، یا اقتصادی یا اجتماعی شده و بدون دریافت کمک و خدمات ویژه از سازمانهای مربوط، قادر به استقلال و خودکفایی اقتصادی و اجتماعی نباشد (۷).

مددجویان کمیتة امداد: به مددجویی گفته می شود که به دلیل هم خوانی وضعیت عمومی وی با شرایط پذیرش مندرج در دستورالعمل سازمانهای ذیربط از امکانات پیش بینی شده بطور مستمر بهره مند شود (۷).

مفهوم توانمندسازی

دریک تعریف ساده می توان توانمندسازی را فرایندی دانست که طی آن افراد، گروه ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی های خود برنامه ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان یافته انجام می دهند. توانمندسازی در یک تعریف کلی و عام به معنای بسط و گسترش حق انسان در آزادی عمل است. این تعریف به معنای افزایش میزان اختیار و اقتدار خرد برای انتخاب منابع و اعمال نظر تصمیماتی است که زندگی او را تحت تاثیر قرار می دهند (۸).

برای روشن شدن بیشتر مفهوم توانمندسازی، باید به مفهوم قدرت که زیر بنای اقتدارافزایی است، پرداخته شود. قدرت به معنی وجود بالقوه توانایی برای حرکت افراد در یک مسیر انتخاب شده برای رسیدن به یک هدف یا ایجاد یک اثر است. آنچه در یک جامعه ایجاد قدرت می کند، شامل موارد زیر است:

دارایی، شهرت و اعتبار، موقعیت بالا، فرصت های تصمیم گیری، اطلاعات، قوانین، سیاست ها و ارتباطات (۹). مفهوم قدرت عبارت است از توانایی انتخاب کردن. اگر فردی ادعا کند که توانمند است، یعنی ظرفیتی پیدا کرده، که می تواند دست به انتخاب بزند و این انتخاب خود را، به اقدامات و نتایج دلخواه تبدیل نماید. به طور کلی، در توانمندسازی، افزایش ظرفیتها و سرمایه ها (روانی، اجتماعی، اقتصادی و...) و نیز توان تصمیم گیری مد نظر است.

توانمندسازی فرایندی است جهت دستیابی به توسعه که عناصری چون افزایش خودآگاهی، درک توانایی، افزایش مهارتهای زندگی، افزایش مشارکت، گسترش آزادی انتخاب، افزایش توان اتکای به خود و تغییر از منفعل بودن به فاعلیت و... را در بر می گیرد (۱۰).

حوزه های توانمندسازی مددجویان :

توانمندسازی باید در سه حوزه فرهنگی، قابلیت های افراد در نهایت سازماندهی افراد و ایجاد تشکل، رخ دهد.

۱ - توانمندسازی در حوزه فرهنگی

حوزه فرهنگی بر نگرش ها، ارزش های حاکم بر مردم در مشارکت و تصمیم گیری در امور جامعه و سرنوشت خود دلالت دارد. در این حوزه، توانمندسازی باید اعتماد به نفس در افراد ایجاد کند، نگاه به خودش (کسب هویت) تقویت شود و عزت نفس به افراد جامعه بدهد (۸). توضیح آنکه در ادبیات توسعه، شناسایی و رفع موانع و سدهای اجتماعی و فرهنگی مانع توسعه مهم است. به اعتقاد راجرز «در جریان دگرگونی و توسعه روستاها و مناطق حاشیه ای، شناخت و آگاهی از خصوصیات فرهنگی مردم از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا برنامه های دگرگونی اجتماعی در روستا اگر بر پایه شناخت ارزشها، وجهه نظرها و انگیزه های مردم بومی و دهقانان استوار نباشد، شکست خواهد خورد»

خرده فرهنگ شامل بسیاری از عناصر فرهنگ کلی تر و خود (خرده فرهنگ) جزئی از آن است. در ضمن شامل بعضی از جنبه هایی است که فقط به آداب و رسوم مناطق خاصی مربوط است و در فرهنگ کلی تر وجود ندارد. خرده فرهنگ انواع مختلفی دارد مثلاً خرده فرهنگ جوانان، رانندگان، کشاورزان، دانشگاهیان، فروشندگان و... که در درون هر یک از این خرده فرهنگها، اعضا دارای ارزشها، وجهه نظرها خاص و دیگر عناصر مشترک می باشند. مردم روستایی و دهقانان نیز دارای خرده فرهنگ های خاص خود می باشند که سالیان سال در آنان نهادینه شده است. ده عنصر اصلی خرده فرهنگ دهقانی را که مانع توسعه است به این شرح می باشد: عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی، فقدان نوآوری، تقدیرگرایی، پایین بودن سطح آرزوها و تمایلات، عدم چشم پوشی از منافع آبی به خاطر منافع آبی، کم اهمیت دادن به عامل زمان، خانواده گرای، وابستگی به قدرت دولت، محلی گرایی و فقدان همدلی. لذا توانمندسازی باید روستاییان را از تبعیت از این وجهه نگرشها و باروها، رها سازد و استقلال فکری، اتکا به خود و اعتماد به نفس را در آنان تقویت کند. این تصور که چیزهای مطلوب در زندگی (نظیر: زمینی، ثروت،

تندرستی، دوستی، عشق، قدرت و امنیت) به میزان کمی وجود دارد و نفع یک فرد در ضرر دیگری است، مانع توسعه به شمار می آید و در توانمندسازی باید برای زدودن چنین تصوراتی تلاش و به مردم جوامع روستایی آگاهی داده شود. درک افراد برای کنترل آینده و برنامه ریزی صحیح برای بهزیستی ارتقا یابد (۸).

۲ - حوزه قابلیت های افراد:

در این حوزه باید نیازها شناسایی و تفاوتها دیده شود و توانایی های افراد و قابلیت های بکار گرفته می شود، و استعداد های نهفته در جامعه (آنچه که در بخش بروز توانایی ها آورده شده است) کشف گردد. حوزه قابلیت های افراد دو بخش دارد:

الف) قابلیت های شناختی به طور کلی

باید افشار حاشیه های را در حوزه های قانون مقررات، بازار، اجتماع، اشغال و... اطلاعات داده شود. عدم شناخت قانون، عدم آگاهی حقوقی، رقابت با دیگران برای اشتغال و خدمات در شرایط یکسان، سبب می شود که روستاییان به راحتی قربانی غارتگری های قدرتمندان گردند که در اینجا، افراد باید از حقوق خود دفاع و به منافع خود توجه کنند (۱۱). در برنامه ریزی منطقه ای هم بدون به کارگیری توانایی ها و مشارکت مردم، اجرای طرح های توسعه ای موفق نخواهد بود و موفقیت در صورتی حاصل می شود که به مردم آگاهی داده شود که منافع آنان بویژه منافع بلندمدت، شرکت در طرحها و تصمیم گیری در مورد سرزمین خود است. لذا توانمندسازی یعنی آگاه سازی روستاییان به موسساتی که در مناطق روستایی خدمات می دهند. موسساتی مثل تعاونی ها، مراکز خدمات، مراکز آموزش و بهداشتی و این آگاه سازی باید برای بهزیستی و در نهایت به توسعه منطقه ای منجر شود، تا مردم به حقوق شهروندی آگاهی یابند. موقعی می توانیم در توسعه یک منطقه، مردم را در اجرای طرحها با خود همنا کنیم که این آگاهی و اصلاحات در مناطق صورت بگیرد (۸).

ب) قابلیت های افراد در بعد فنی و شبه فنی:

این حوزه کاربردی است. در اینجا بحث آموزش مطرح می شود تا افراد از این طریق متخصص شوند و زندگی خود را تامین کنند. مثلاً به عنوان یک فرد، خانمها را توانمند کرد تا بتوانند از طریق تخصص امرار معاش کنند. آموزش آنان در زمینه های صنایع دستی، دامی، هنری، کشاورزی، دانشگاهی و... صورت گیرد. میزان سواد آموزی مردم بالا برود؛ زیرا بی سوادان نمی توانند اطلاعاتی پیرامون ارزش های اقتصادی داشته باشند. اگر اطلاعات به میزان کافی باشد، نقش بهتر و قدرتمندانه تری ایفا می کنند. در زمینه کشاورزی راه های کشت نوین و مکانیزه و استفاده از ماشین آلات و تکنولوژی کشاورزی آموزش داده شود. مبارزه بیولوژیک با آفات، ترویج و از تجربیات بومیان در فرآیند تولید استفاده شود.

- ساماندهی افراد و ایجاد تشکل:

«یعنی افراد موقعی که توانمند شدند، به حال خود رها نشوند که در این صورت خیلی کارآمد نخواهند بود» بنابراین باید در قالب تشکل های مدنی، ساماندهی شوند تا بتوانند از امکانات بهره مند گردند. دارای اساسنامه و تشکیلات باشند و تشکل آنان ثبت شده باشد تا در مواقع احقاق حق، دچار مشکلات نشوند. خلاصه آنکه توانمندسازی در صورتی توسعه است که افشار آسیب پذیر و فقرا را از حاشیه به مرکز آورد که به این منظور ایجاد تشکلها خیلی مؤثر و مفید است (۱۲).

دین و توانمندسازی فرهنگی

اسلام به عنوان یک مکتب متعالی، داعیه دار کمک به بشریت در رسیدن به مراتب عالی انسانی و الهی به تمام جنبه های مادی و معنوی زندگی فردی و اجتماعی آحاد مردم توجه و دقت داشته تا با غنا بخشیدن به زندگی، امت اسلامی به سر مقصد مقصود نائل شود. در معارف دینی رسیدگی به حال محرومان از جایگاه خاصی برخوردار می باشد. با دقت در آیات و روایات مشخص می شود که رسیدگی به نیازمندان جامعه جزء دستورات الهی برای سلوک الی الله بوده و نیاز درونی اغنیاء را برطرف کرده و باعث شکوفائی محروم و غنی خواهد شد (۱۳).

اصول و مبانی کمک و حمایت در دین مبین اسلام

اصل اول (حمایت مادی و انفاق به دیگران :

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا : غذای خود را باین که به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین ، یتیم و اسیر می دهند. (سوره

انسان آیه ۸)

اصل دوم (جبران انفاق و پاداش به منفق از سوی پروردگار:

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مَحْسِبُونَ : زیرا خدا با کسانی است که می پرهیزند و نیکی می کنند (سوره نحل آیه ۱۲۸).

اصل سوم (اهتمام به امر مسلمین و پیشی گرفتن در کمک :

مَنْ أَصْحَابُ لَآئِهِمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ . کسی که صبح کند و در فکر بهبود حال مسلمانها نباشد مسلمان نیست. (اصول کافی

، ج ۳ ، ص ۲۳۸)

اصل چهارم) حقوق نیازمندان بر اموال مسلمین:

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ : و در اموالشان برای سائل و محروم حقی بود . (سوره ذاریات آیه ۱۹) .

اصل پنجم) کمک و حمایت بدون منت :

الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا أَدَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ : مزد کسانی

که اموال خود را در راه خدا **انفاق** می کنند و پس از انفاق منتی نمی نهند و آزاری نمی رسانند با پروردگارشان است نه بیمناک می شوند و نه اندوهگین . (سوره بقره ، آیه ۲۶۲)

اصل ششم) حمایت معنوی عامل انسجام مسلمین ونزول برکات :

از نظر فرهنگ اجتماعی، احسان و نیکی از عوامل مهم قوام اجتماعی است و رواج و جریان آن موجب بیشتر شدن مهربانی، محبت، پیوند، تعاون، کثرت نعمت و امنیت و ... در جامعه می شود .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **الْخَلْقُ عِيَالُ اللَّهِ تَعَالَى - فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِيَالَ اللَّهِ - أَوْ أَدْخَلَ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ سُرُورًا وَ مَشَىٰ مَعَ أَحَدِ مُسْلِمِينَ فِي حَاجَتِهِ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافِ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ**؛

همه ی خلق عیال (خانواده و نیازمند) خدا هستند، پس محبوب ترین خلق به درگاه خدا کسی است که به عیال خدا سودی رساند یا خانواده ای را خوشحال کند یا در پی برآوردن حاجت برادر مسلمانش باشد که این نزد خدا از اعتکاف دو ماه در مسجدالحرام محبوب تر است (بحارالانوار ، جلد ۷۱ ، ص ۳۱۶) .

دانش بومی و توانمندسازی فرهنگی

صاحب نظران زیادی طبق حوزه و زمینه های مطالعاتی خود تعاریف متفاوتی از دانش بومی ارائه داده اند که تعریف این کلمه در فرهنگ آکفورد چنین ذکر شده: فکر خلق یا تولید شده به صورت طبیعی در یک منطقه یا سرزمین مربوط به و مختص به اهالی آن است. دانش بومی عبارت است از مجموع تجربه و دانشی که یک جامعه در برخورد با مشکلات آشنا و نا آشنا بدست آورده و آن را اساسی برای تصمیم گیریهای خود قرار داده است. دانش بومی ریشه در تجربه قرنهای گذشته دارد و تا وقتی که جامعه پابرجاست، به عنوان پایه فرهنگی و فنی آن به تکامل خود ادامه می دهد. دانش بومی دانشی است که مردم به آن اعتقاد دارند و آن را در طول زمان در جامعه خود توسعه و بهبود بخشیده اند، دانش بومی بر اساس تجربه است و غالباً در طول زمان تجربه می شود، این دانش با فرهنگ محلی و مردم و محیط زیست سازگار شده است. بنابراین از پویایی و کارایی لازم نیز برخوردار است (۱۴).

اگر بومی سازی را استفاده آگاهانه از الگوها، روشها و فنون توسعه و تطابق آن با شرایط جامعه بومی در کنار به روز کردن و تقویت تکنیکها و روشهای بومی یا همان پیوند دانش رسمی با دانش و شرایط بومی بدانیم، چنین راهبردی می تواند به توانمندسازی و مشارکت مردم در جریان توسعه و شکل گیری یک جریان توسعه درونزا، متکی به خود و پایدار منجر شود. مؤثرترین راهکار برای بومی سازی توسعه روستایی، شناسایی و کاربرد عملی دانش بومی است که از ارزش، نگرش، عقاید و اجماع جمعی یک قوم حکایت می کند. زیرا در طی این فرایند است که به یک اجتماع بها داده می شود، دانش آن مورد احترام قرار می گیرد. ضمن این که بومی سازی موجب کاهش هزینه ها شده و میوه توسعه را در درازمدت به بار می نشاند. بومی سازی در مفهوم وسیع آن، صرفاً استفاده مادی را شامل نمی شود، بلکه به معنای بهره گیری از منابع محلی اعم از مادی و غیرمادی است. چه بسا ممکن است که در طرح ریزی توسعه توجه به فرهنگ غالب و ارزشهای یک جامعه فرایند توسعه را تسهیل کند (۱۵).

از آگاهی های بومی روستاییان به این نتیجه می رسیم که کشاورزی و دامداری و روشهای بومی تهیه و حفظ مواد غذایی (از محصولات کشاورزی و دامی) و صنایع دستی از دیرباز به صورت فعالیت های سنتی و فرهنگی با ویژگیهای خاص منطقه ای انجام می گرفته است و آسیب کمتری به محیط زیست وارد می شد، پس علاوه بر استفاده از دانش نوین باید در مواردی که تکنولوژیهای جدید آسیب های زیست محیطی ایجاد می کند باید از دانش بومی استفاده کرد. همچنین با این نوع زندگی سنتی افراد زیادی حاضر به زندگی در روستاها بودند و دانش بومی این روستا نشانگر ارزشها، عقاید و تجربه سالیان سال افراد در اینکه چگونه با محیط سازگار شده اند است که به نوعی نشان دهنده عقاید، فرهنگ و سنن و تجربه آنهاست در نتیجه با از دست رفتن هر یک از سال خوردگان این روستا اطلاعات عظیم بومی بخصوص در زمینه کشاورزی به فراموشی سپرده می شود و انتقال دانش محلی به نسل بعدی که دانشی است غیر مکتوب صورت نمی گیرد و باید به فکر زنده نگه داشتن این اطلاعات قدیمی خود باشیم، چون هر چه به جلوتر می رویم از یک سو به دلیل خالی شدن جمعیت این روستا، به کشاورزی نپرداختن مردم به دلایل مشکلات موجود در این بخش از جمله کاهش تولید و درآمد و از طرف دیگر با رواج یافتن فرهنگ و سنت شهری این دانش بومی کم رنگ تر شده است و بهترین راه حل در این مورد ثبت و مکتوب کردن تجربه بومی این روستاست که باید اقدام شود و همچنین دانش بومی نشانگر ظرفیتهای و پتانسیلهای محیط آن روستاست. که می توان با کمک دانش نوین در این بخشها به ایجاد اشتغال و کارآفرینی و فعالیت های

مرتبط با این بخشها برای مثال فرآوری لبنیات که زنان روستایی نیز تا حدودی شناخت کافی دارند پرداخت. که در این صورت خواهیم توانست با حفظ جمعیت در روستا و درگیر شدن مردم در فعالیتهای آنها، دانش بومی خود را حفظ کنیم (۱۵).

در استان کهگیلویه و بویراحمد، تا سالهای نه چندان دور، عمده جمعیت در مناطق روستایی ساکن و بخش قابل توجهی هم بصورت عشایر کوچرو امرار معاش می نموده اند، این بخش از جمعیت، عمدتاً به تولیدات خود که مبتنی بر دانش بومی و مختص به خود بوده، متکی بوده اند. توانمندی زنان روستایی و عشایر، در تولید انواع فرآورده های لبنی و شیوه نگهداری طولانی مدت، بدون اتکاء به روشهای صنعتی رایج، و همچنین دستبافت های متنوع از جمله، قالی، گلیم، جاجیم، گبه و ... از جمله بارزترین محصولات مبتنی بر دانش بومی است. شیوه های سنتی حفاظت از اراضی شیب دار (به دلیل توپوگرافی ناهموار) از جمله سنگ چین های مجزا و مختص به استان (کره)، ساخت سیلوهای گلی به منظور ذخیره و نگهداری غلات (تاپو) و استفاده از فرآورده های گیاهی به منظور درمان بیماریهای انسانی و دامی و همچنین بهره گیری از محصولات قابل دسترسی در محیط اطراف در تهیه مواد غذایی (به عنوان مثال نان بلوط یا کلگ) و کشاورزی در اراضی ناهموار، از مثال های بارز توانمندیهای مبتنی بر دانش بومی جوامع محلی استان است. که چه در گذشته و چه در حال نقش به سزایی در توانمندسازی اشخاص داشته و دارند.

آموزش و توانمندسازی فرهنگی

افراد زمانی می توانند به خوبی از عهده وظایف محوله برآیند که از مهارت، دانش و توانایی لازم برخوردار بوده و اهداف را به خوبی بشناسند و ابزاری که می تواند در این زمینه به کمک آنها بشتابد، فرایند آموزش و توانمندسازی است (۱۸، ۱۷، ۱۶). آموزش و ظرفیت سازی از ابزارهای زیربنایی فرآیند توانمندسازی هستند. به وسیله آموزش، فقرا و زبان دیدگان با مفهوم افزایش بهره وری و توان کسب درآمد آشنا می شوند. آموزش و تربیت می تواند قدرت چانه زنی فقرا را افزایش دهد؛ آگاهی و اعتماد به نفس آنها را پرورش دهد؛ آگاهی از قوانین و حقوق اجتماعی را ارتقاء دهد؛ و دسترسی و استفاده از منابع اقتصادی مانند مشاغل، زمین، اعتبار و اطلاعات را بهبود بخشد (۱۹).

بسیاری از مددجویان به ویژه زنان سرپرست خانوار در استان کهگیلویه و بویراحمد، از نظر جایگاه فرهنگی و سطح تحصیلات در موقعیتی نیستند که بتوانند در جهان امروز با همه مسائل و معضلات اجتماعی، مسئولیت تربیت و پرورش جسمی و روحی فرزندان را به طور مطلوب عهده دار شوند. با توجه به اینکه خانواده های مددجو در استان اغلب از نظر مالی در وضعیت خوبی نیستند و به خاطر کاهش هزینه مسکن در مناطقی سکونت می کنند که از نظر فقر مالی و به خصوص فرهنگی موقعیت خوبی ندارند و محیط مناسبی برای زندگی نمی باشد، در نتیجه این گونه خانواده ها دچار مشکلات فرهنگی خاصی می شوند (۲۰)، و این امر لزوم وجود آموزش مهارت های زندگی را در آنها بیشتر می نماید.

مشارکت و توانمندسازی

تعریف نظری: مشارکت اجتماعی عبارت است از آن دسته فعالیت های ارادی که از طریق آنها اعضای یک جامعه، در امور محله شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند. (۲۱)

تعریف عملیاتی: شرکت ارادی و آگاهانه افراد در فعالیتهای مدنی (شرکت در انجمنهای صنفی، کارگری، تعاونیها و...)، فرهنگی و تفریحی (شرکت در فعالیتهای هنری، علمی، ورزشی...)، مذهبی (شرکت در هیئتهای مذهبی، روضه ها و...)، محلی (همکاری با همسایگان، انجمن اولیاء و مربیان، فعالیتهای عمرانی محلی و...) می باشد. (۲۲).

چمبرز (۱۳۷۸) مشارکت را علیرغم گستردگی تعاریف و مفاهیم و وجود ابهامات در تبیین مفهوم آن، شرط اساسی برای توسعه می - داند (۲۳). مشارکت عبارت است دخالت دادن و درگیر شدن مردم در فراگردهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که بر سرنوشت آنان اثر می گذارد. در این تعریف مشارکت نوعی فراگرد از پایین به بالا پنداشته می شود که بر گسترده شدن و پخش هرچه بیشتر اقتدار و بازگشودن فرصتهای پیشرفت برای رده های زیرین جامعه تاکید می کند. مشارکت افراد در روند توسعه از چنان اهمیتی برخوردار است که بعضاً توسعه را معادل مشارکت دانسته و یا مشارکت را وسیله و هدف توسعه ذکر کرده اند (۲۴).

موانع مشارکت مردم: با وجود اهمیت مشارکت مردم در توسعه و تاکید برنامه ریزان و کارشناسان بر ضرورت بکارگیری آن، جلب مشارکت مردم همواره با مسائل و مشکلاتی روبروست. موانع مشارکت از دیدگاه های مختلف بررسی شده است. این دیدگاه ها را می توان در سه دسته کلی ذیل تقسیم بندی کرد:

۱ - محدودیت های اقتصادی: مشارکت در مواردی هزینه بر است و نیاز به سرمایه گذاری از ناحیه مشارکت کننده دارد. به همین دلیل برخی از مردم با وجود علاقه مندی نمی توانند مشارکت مادی داشته باشند. نهاد مشارکت جو باید امکان مشارکت غیرمادی مردم را نیز پیش بینی و فراهم نماید.

۲ - محدودیت های اجتماعی و هنجارهای سنتی و فرهنگی: موانع مشارکت در جهان سوم عمدتاً فرهنگی - اجتماعی است. هر یک از موارد ذیل می تواند انگیزه مشارکت مردمی را کاهش دهد:

- عدم آگاهی مردم نسبت به اهداف و طرحها و خصوصیات آن، که اگر مردم به اهداف کلان نهاد مشارکت جو اعتماد و آگاهی نداشته باشند، در آن مشارکت نمی کنند.
- بی سوادی یا کم سوادی مردم؛
- رقابت و چشم هم چشمی که منجر به حسادت و کینه توزی شده و افراد را از کار جمعی دور می کند.
- عدم اعتماد و احتیاط کاری.
- نفع طلبی شخصی.

سالگی (۱۳۶۹) دخالت های سیاسی و تحمیل مدیریت دولتی، پراکندگی امکانات مادی، بی سوادی و نا آگاهی را عامل مهمی در عدم مشارکت مردم می داند (۲۵).

پیتر اوکلی و دیوید مارسدن (۱۳۷۰)، موانع مشارکت در طرح های توسعه را به سه دسته تقسیم می کنند (۲۶):
الف) موانع عملی: برنامه ریزی فوق متمرکز، مکانیزم های ناقص عرضه، فقدان هماهنگی های محلی، نامناسب بودن تکنولوژی پروژه، بی ربط بودن محتوای پروژه و فقدان ساختارهای محلی.

ب) موانع فرهنگی: در برخی موارد رسوم، باورها، عادات دست و پاگیر و ... هستند که تمایل جامعه محلی را برای شرکت در فعالیتهای دسته جمعی و مشارکتی کاهش می دهند (ضرب المثل هایی چون دیگ شراکت نمی جوشد، شراکت اگر خوب بود خدا هم شریک می گرفت، هرکس باید به فکر خودش باشد، هیچکس دلش به حال کسی نمی سوزد، هرکس باید کلاه خودش را بگیرد و...).

ج) موانع ساختاری: به ویژه روابط حاکم بر تولید و قدرت، موانع جدی سر راه مشارکت مردم می باشد. وجود برنامه ریزی های متمرکز و دیوان سالار در ادارات نیز از جمله موانع بنیادی هستند و شرایط مشارکت را تعیین می کنند.

بازرترین شکل مشارکت به منظور توانمندسازی اشخاص، ایجاد تعاونیهای اقتصادی و تولیدی است. مستند به آمار و اطلاعات اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان کهگیلویه و بویراحمد، از 3133 تعاونی در سطح استان، ۱۳۷۲ تعاونی فعال هستند. که از جمله دلایل آن، ضعف در مشارکت اشخاص در کارهای جمعی می باشد. نظام اجتماعی مبتنی بر فرهنگ طایفه ای و وجود قلمرو ایلی و قبیله ای چه در سنت های رایج اجتماعی و چه در جغرافیای سرزمینی، در جامعه روستایی و عشایری استان کهگیلویه و بویراحمد، علی الخصوص در بین مددجویان این مناطق، از بزرگترین موانع مشارکت های اجتماعی به منظور بهبود وضعیت می باشد.

رسانه و توانمندسازی فرهنگی

امروزه رسانه ها در عصر ارتباطات و اطلاعات، یکی از مهم ترین ابزارهای دسترسی به اطلاعات تلقی می شوند. رشد چشمگیر انواع رسانه های جمعی در چند دهه اخیر و افزایش نقش اجتماعی آنها سبب شده است که از ابعاد مختلفی، مطالعه و تحقیق شوند. در این عرصه، رسانه ملی می تواند با تمرکز روی آموزش و توانمندسازی مددجویان، آن را به موضوع در خور توجه و اغماض ناپذیر تبدیل کند. از اینرو، این توانایی و ظرفیت در رسانه وجود دارد که با تمرکز روی نوعی ارزش و اهمیت بخشیدن به آن توجه مردم را به سوی آن جلب کند و با تأکید بر اهمیت آثار و پیامدهای آن، افراد جامعه را به سمت پذیرفتن آن تشویق کند. مردم نیز این ارزشهای ایجاد شده را می پذیرند و آنها در جامعه به فرهنگ، تبدیل می شود. رسانه ملی که یکی از نهادهای مهم و اثرگذار در طرز فکر و آرا و دیگر ابعاد زندگی بشر است، واقعیت اجتماعی خاصی را برای مردم خلق می کند. از سوی دیگر، رسانه ها با دادن اطلاعات درست و لازم به حجم معلومات و تعلیم و تربیت مردم افزوده و به فرهنگ و پیشرفت سطح زندگی آنها کمک می کنند. (۲۱)

یکی از نظریه های مربوط به رسانه و نقش و تأثیر آن نظریه برجسته سازی است. برجسته سازی یکی از شیوه هایی است که موجب تأثیرگذاری رسانه های جمعی در عامه می شود. برجسته سازی یعنی این اندیشه که رسانه های خبری با آرایه خبرها، موضوعاتی را که عامه مردم راجع به آنها فکر می کنند تعیین نمایند.

از نظر محققان معروف برجسته سازی همچون مکسول مک کامبز و دونالدشوا، موضوعاتی که ما می شناسیم واقعیت های دست دوم به حساب می آیند. آگاهی ما از این واقعیت ها در مرحله اول از رسانه های جمعی نشأت می گیرد و ما به عنوان افراد عادی جامعه تنها آن جنبه های سیاست ملی را می شناسیم که رسانه های جمعی برای آنها ارزش خبری قائل شده اند و به ما انتقال داده می شوند. بدیهی است که این موضوع ارتباط مستقیم با گستردگی استفاده از رسانه هادر یک جامعه دارد. هر چه این گستردگی بیشتر باشد، نقش رسانه ها در شکل گیری واقعیت و میزان اهمیت آن بیشتر خواهد بود.

رسانه های جمعی کشور بخصوص رسانه ملی می توانند در چارچوب زیر به توانمندسازی مددجویان کمک کنند: (۲۱)

برنامه های آموزشی رسانه ملی
برنامه های آگاه سازی رسانه ملی
برنامه های اوقات فراغت رسانه ملی
پیام های تبلیغاتی فرهنگی و اجتماعی رسانه ملی
الگو سازی رسانه ملی

عمده مددجویان استان کهگیلویه و بویراحمد در مناطق روستایی و عشایری ساکن بوده که به مراکز اطلاعاتی و آموزشی که عمدتاً در مناطق شهری استان مستقر هستند، دسترسی ندارند. از طرفی به دلیل پراکندگی جمعیت، ارائه برنامه های آموزشی مستمر و مستقیم با دشواریهایی مواجه خواهد بود، فلذا استفاده از رسانه ملی، می تواند به منظور آگاهی بخشی و انتقال برنامه های هدف بسیار موثر باشد، بعلاوه اینکه این افراد عمدتاً اخبار و برنامه های شنیداری و دیداری را از رسانه ملی دریافت می کنند.

توانمندی و شبکه اجتماعی

شبکه اجتماعی یا منبع تولیدکننده سرمایه اجتماعی، ترکیبی از کنشگران و روابط میان آنهاست. به عبارت دیگر، شبکه اجتماعی، الگویی از روابط است که کنشگران را به هم متصل می کند. شبکه اجتماعی را می توان مجموعه ای از افراد یا سازمانها یا مجموعه های دیگر اجتماعی دانست که از طریق روابط اجتماعی مانند دوستی، همکاری یا تبادل اطلاعات، با یکدیگر مرتبط می شوند. بدین ترتیب، شبکه اجتماعی، الگویی ارتباطی است که افراد را به یکدیگر متصل می کند یا پیوندهایی است که افراد را با گروههایی از مردم مرتبط می سازد (۲۷).

مطالعات متعدد نشان داده است، که بالابودن اعتماد و مشارکت در میان اعضای گروهها به خصوص زنان، به افزایش ارتباطات و تعاملات میان آنها منجر می شود، داده ها و اطلاعات در میان افراد سریعتر به جریان درمی آید و گردش دانش و تجربیات اعضا در نتیجه ارتباطات مستمر و پایدار مبتنی بر اعتماد، سبب افزایش انسجام درون گروهی و سرمایه اجتماعی می شود. این امر، ارتقای نوآوری گروهی و کارآفرینی را به دنبال خواهد داشت و سبب خواهد شد که هماهنگ ساختن افراد برای مدیریت مشارکتی منابع، با سرعت بیشتر و در زمان کمتری صورت گیرد (۳۰، ۲۸، ۲۹).

توانمندی میانجی ها و توانمندسازی فرهنگی

مطالعه نظریات و الگوهای ارائه شده نشان می دهد که هر کدام تنها به توضیح و تبیین بخشی از وضعیت مددجویان می پردازند و هیچ کدام تحلیل جامعی در این زمینه ارائه نمی دهند.

واز طرفی جوابشان به این سوال که چه کسی باید توانمند شود؟ ناقص است. هر چند هدف نهایی توانمندسازی مددجویانی هستند که سود می برند، اما توانمندسازی میانجی ها نیز بسیار حائز اهمیت است، زیرا، ارتقای توانمندسازی مددجویانی که منتفع می شوند، بدون اینکه میانجی ها توانمند شوند، بسیار مشکل است. هر چند، درک اهمیت توانمندسازی فقرا و کاهش فقر ضروری است، اما توجه به این موضوع، کلید پایداری توسعه است. بنابراین محک میانجی ها بخصوص مدیران و کارکنان در سازمانها و نهادهای مسئول در امر توانمندسازی و همچنین امدادگران کمیته امداد و سپس ارتقاء معلومات و آگاهی ها و آمادگی آنان بسیار حائز اهمیت است.

نتیجه گیری

توانمندسازی، اصلی اساسی در توسعه مشارکتی تلقی می شود و بدون توجه به این مقوله نمی توان شاخصهای رشد و توسعه را از طریق توانمندسازی جوامع محلی در زمینه های مختلف دست یافت. لذا توجه به استعدادها و قابلیت های فردی و اجتماعی در جوامع هدف ضروری است. به منزله توانمندسازی فرهنگی مددجویان کمیته امداد امام (ره) در استان کهگیلویه و بویراحمد، توجه به شاخصهایی از قبیل آموزش، دانش بومی، استفاده از رسانه، گسترش شبکه های اجتماعی و مشارکت ضروری است.

بررسی آماری مددجویان در استان نشان می دهد حدود ۴۵ درصد افراد تحت حمایت را زنان سرپرست خانوار تشکیل می دهند. برای این قشر راهکارهایی همچون تقویت شاخص های تعاون، همکاری، اعتماد، تقویت روابط پایدار و نهادی شده شبکه ای، حمایت به منظور استفاده از دانش بومی پیشنهاد می گردد.

در بخش استفاده از رسانه مواردی همچون تاسیس تیم رسانه ای قوی جهت آسیب شناسی مسائل مددجویان و توانمندسازی آنان در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی و روانی و ...، فرهنگ سازی برای کار و تلاش توسط رسانه های جمعی، پخش برنامه در راستای ریشه کردن تبعیض جنسیتی به عنوان یکی از عوامل عدم توسعه استان، آموزش مشاغل خانگی درآمدزا برای زنان سرپرست خانوار، با تبلیغات رسانه ای به منظور سوق دادن خانواده ها و دوستان به حمایت عاطفی و مادی از مددجویان بخصوص زنان سرپرست خانوار و در نتیجه توانمندسازی آنان، معرفی الگوهای موفق از خود مددجویان، به منظور ایجاد انگیزه در سایرین و فرهنگ سازی و ترویج ازدواج مجدد زنان بیوه و تشویق خانواده و جامعه به حمایت های لازم از سالمندان و از کارافتادگان دائمی و همچنین تقویت روحیه اعتماد به نفس در این افراد، از موارد قابل توجه خواهد می باشد.

در امر آموزش باید از طریق فرایند نیاز سنجی، نیازهای فردی و اجتماعی و فرهنگی مددجو شناسایی شود، همچنین برای آموزش خلاقیت و نوآوری برنامه ریزی شود، در این برنامه باید برای به انواع فرصت های یادگیری برای کسب مهارتهایی چون (کنترل شخصی و خود نظمی، ریسک پذیری، آمادگی برای پذیرش تغییر، ایجاد نگرش مثبت نسبت به تغییر، ایجاد روحیه مقاومت، پافشاری برای تغییر و ...) توجه شود.

در خصوص توانمندسازی میانجی ها، فرهنگ سازی، آموزش و توسعه نگرش مدیران به منابع انسانی و برنامه های توانمندسازی، بازنگری جایگاه سرمایه های انسانی در حوزه ها و بخش های مختلف کمیته امداد، ایجاد حس اعتماد در میان مدیران دولت بخصوص مدیران میانی و اجرائی کمیته امداد نسبت به اعضای خانواده های تحت حمایت از جمله زنان بد و بی سرپرست و باور کردن توان و ظرفیت آنها و توسعه روحیه شفافیت و مسئولیت پذیری و پاسخگویی میان مدیران و کارکنان پیشنهاد می گردد.

منابع و مراجع

- [۱] شیدایی آشتیانی، ک. "تأثیر توانمندسازی بر توسعه اجتماعی"، اداره کل برنامه ریزی و فناوری اطلاعات، گروه برنامه ریزی، (۱۳۸۸).
- [۲] کمیته مداد امام خمینی (ره). www.emdad.ir.
- [۳] رضازاده، ف.، رضازاده، ا.، و رضازاده، س.، "مروری بر توانمندسازی، سلامت و اشتغال زنان سرپرست خانوار"، کنفرانس بین المللی پژوهشهای نوین در مدیریت و مهندسی صنایع، آذر ۱۳۹۴.
- [۴] شکور، ع.، شمس الدینی، ع. و جوادی حقیقی، س.ا.، "سنجش عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی با تأکید بر پارامترهای توسعه"، فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار، دوره پنجم شماره ۱۷، پائیز ۹۵.
- [۵] میرشکار، ا.، شکرایی، م. و کشاورزبان، م.، "طراحی مدل مفهومی توانمندسازی در کمیته امداد با تأکید بر نقش این نهاد در تحقق الگوی ایرانی - اسلامی پیشرفت"، مجموعه مقالات همایش ملی توانمندسازی بارویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۸-۱۹ خرداد، ۱۳۹۰.
- [۶] استادی، ح. و شایسته، ل.، "بررسی موانع فرهنگی خوداتکایی مددجویان تحت حمایت کمیته امداد مطالعه موردی مدیریت شهرستان اردبیل". مجموعه مقالات دومین کنفرانس بین المللی اقتصاد، مدیریت و فرهنگ اسلامی، ۹ مهر، ۱۳۹۴.
- [۷] سالنامه آماری کمیته امداد امام خمینی (ره)، مرکز برنامه ریزی و فناوری اطلاعات. چاپ اول. انتشارات امداد.
- [۸] راستین، م.، خاتمی، و.، نوچه، م. ه.، میرعماد، ح.، گلیوری، ع. "نقش توانمندسازی زنان در مدیریت پایدار منابع طبیعی (مطالعه موردی: روستای فروان در طرح بینالمللی مدیریت پایدار منابع آب و خاک حبلهدود)". اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، مشهد، ۱۳۹۳.
- [۹] کیمیایی، س. ع.، "شیوه های توانمند سازی زنان سرپرست خانوار"، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره ۴۰. بهار ۱۳۹۰.
- [۱۰] نیلی، م. ر.، "نقش تلویزیون در تقویت خود گردانی و خود کار آموزی زنان سرپرست خانوار"، مجموعه مقالات دومین همایش زنان و توان افزایی زنان سرپرست خانوار، ۹-۱۰ تیرماه ۱۳۸۸.
- [۱۱] بهرامیان، ر.، "طراحی مدل توانمندسازی روانشناختی ایتم کمیته امداد امام خمینی (ره) استا اصفهان با رویکرد آینده پژوهی". پایان نامه دکتری رشته مدیریت (آینده پژوهی)، پژوهشکده مدیریت، پژوهشگاه مهندسی بحرانهای طبیعی شاخص پژوه، ۱۳۹۵.
- [۱۲] لطف الله زاده، ع.، (۱۳۹۰). "طراحی و تبیین الگوی توانمندسازی عدالت محور کمیته امداد امام خمینی (ره) در دهه چهارم انقلاب". مجموعه مقالات همایش ملی توانمندسازی بارویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره). ۱۸-۱۹ خرداد، ۱۳۹۰.
- [۱۳] زارع، ب. و روهنده، م.، "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی (مطالعه ای درباب شهروندان بالای ۱۸ سال شهر کرج"، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۴.
- [۱۴] بوذرجمهری، خ. و رکن الدین افتخاری، ع.، "تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه روستایی"، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴.
- [۱۵] وثوقی، م. و حبیبی، سونا، (۱۳۹۳)، "دانش بومی؛ گامی به سوی بومی سازی توسعه روستایی و توانمندسازی روستاییان"، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی، دوره ۱ دوم، شماره ۴، بهار ۹۳.
- [۱۶] صحت، س. و سطوتی، ر.، "ارزیابی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان پست بانک". ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه - شماره ۱۵۰. آذرماه ۱۳۹۱.
- [۱۷] فتایی، پ.، فتایی، م.، سیدی، ف. و کیانی هرچگانی، ا.، "تأثیر برنامه های توانمندسازی با رویکرد اجتماع محور بر افزایش سرمایه ی اجتماعی ساکنین شهر خرم آباد"، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دوره سوم، شماره ۲، آذر ۹۳.
- [۱۸] عباس پور، ع. و بدری، م.، "رابطه بین توانمندسازی روان شناختی و عوامل مؤثر بر بهره وری منابع انسانی". مطالعات مدیریت (بهبود و تحول). دوره ۲۴. شماره ۷۹، زمستان ۱۳۹۴.

- [۲۰] قلی پور، آ. و رحیمیان، ا.، "رابطه عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توانمندسازی زنان سرپرست خانوار"، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره یازدهم، شماره ۴۰، بهار ۱۳۹۰.
- [۲۱] تاج الدین، م. ب. و رحمتی والا، ل.، "رسانه ی ملی و توانمند سازی زنان سرپرست خانوار (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار منطقه ی ۱۸ تهران)"، فصلنامه شورای فرهنگی و اجتماعی زنان و خانواده، سال هفدهم، شماره ۶۵، پائیز ۱۳۹۳.
- [۲۲] نوروزی جعفری، ر.، اسلام و زنان سرپرست خانوار، سایت زنان کارگر سرپرست خانوار، ۱۳۸۷.
- [۲۳] چمبرز، ر.، ۱۳۷۸، "جابه جایی الگوها و شیوه کار پژوهش و توسعه مشارکتی"، ترجمه عبدالرسول مرتضوی، فصلنامه روستا و توسعه، سال سوم، شماره ۳ و ۴، پائیز و زمستان ۱۳۷۸.
- [۲۴] فاضل نیا، غ. و هاشمی، رضوان، "تحلیل باورهای اجتماعی- فرهنگی بازدارنده مشارکت زنان روستایی در فرآیند برنامه ریزی و مدیریت توسعه پایدار روستایی مطالعه موردی: شهرستان رستم"، فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۴.
- [۲۵] سالکی، ح.، مشارکت، نشر آفتاب، ۱۳۶۹.
- [۲۶] اوکلی، پ. و مارسدن، د.، رهیافت های مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمود نژاد، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی وزارت جهاد سازندگی، ۱۳۷۱.
- [۲۷] راسخی، س.، قربانی، م.، مهرابی، ع.، جوادی، ا.، "تحلیل شبکه تلفیقی نهاد- بهره بردار در برنامه عمل مدیریت مشارکتی مرتع، فصلنامه مرتع و آبخیزداری، شماره ۲- 232، دوره ۶۴، ۱۳۹۴.
- [28] Petrou, A., and Daskalopoulou, I., "Social Capital and Innovation in the Services Sector", *European Journal of Innovation Management*, No 1: 50-69, (2013).
- [29] Bodin, O., and Prell, C., 'Social network in Natural Resources Management', Cambridge University Press. 2011.
- [۳۰] قربانی، م.، "نقش شبکه های اجتماعی در سازوکارهای بهره برداری از مرتع (مطالعه موردی: منطقه طالقان)، رساله دکتری مرتعداری، دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. (۱۳۹۱).